

چکیده:

گروه ۸ که پیشتر به گروه ۷ معروف بود، در آغاز شکل گیری خود در سال ۱۹۷۵ در رامبویه فرانسه، یک نشست کوچک و منطقه‌ای برای ایجاد هماهنگی میان کشورهای دموکراتیک غربی بود، ولی رفته رفته به یک مرکز مؤثر برای حکومت جهانی تبدیل شده و با این عنوان هم مورد توجه عموم قرار گرفته است. در سی‌امین نشست این گروه که در خرداد ماه سال گذشته در ایویان فرانسه برگزار شد، رهبران هشت قدرت بزرگ یعنی فرانسه، ایالات متحده، بریتانیا، آلمان، ژاپن، ایتالیا، کانادا همراه با روسیه شرکت کردند و دربارهٔ یک رشته از چالش‌های جهانی از جمله جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی، حفاظت از منابع رادیواکتیو، افزایش رشد اقتصاد بازار آزاد، همکاری در زمینه تجارت و مبارزه با فساد و افزایش شفاف‌سازی در سطح جهانی به بحث و تبادل نظر و تصمیم‌گیری پرداختند. در این زمان، در ست مانند آنچه در سده‌های ۱۸ و ۱۹ جریان داشت، شاهد باشگاهی متشکل از قدرت‌های بزرگ صنعتی هستیم که اعضایش در تلاشند برای اداره جهان، به توافق و هماهنگی تازه‌ای دست یابند.

گروه ۸؛ نهاد بین‌المللی پیشگام در عرصه جهانی‌سازی

پیشگفتار

آن می‌دارد تارویکرد علمی بیشتر و شایسته‌تری به این موضوع داشته باشیم.

تلاش دولت‌ها برای تأمین خوشبختی و امنیت در سطح بین‌المللی را می‌توان در دوره خلاصه کرد: موازنه میان قدرت‌های بزرگ یا برابری همه دولت‌ها در ساختار یک خانواده جهانی. اروپای سده نوزدهم در راه نخست گام برداشت و با ایجاد نوعی موازنه قدرت میان کشورهای بزرگ ترتیبی داد تا هیچ دولت اروپایی نتواند بر دولت دیگری برتری یابد اما در برابر انقلابیون فرانسه و پیشروی‌های ناپلئون شکست خورد و نتوانست به امنیتی پایدار دست یابد. پس از سقوط ناپلئون، اروپا بار دیگر شاهد شکل‌گیری یک موازنه قدرت بود که این بار نه تنها برای حفظ امنیت اروپا بلکه برای تقسیم جهان برپا می‌شد ولی این نظام نیز پس از گذشت یک سده و کسب موفقیت‌هایی چند، سرانجام با وقوع جنگ جهانی اول فروپاشید.

پس از جنگ، دولت‌ها راه دوم را برگزیدند و تصمیم گرفتند که در پرتو همکاری جمعی و مشارکت همه کشورهای جهان، بزرگ و کوچک، به عضویت سازمانی بین‌المللی در آیند که ساختار رسمی و حقوقی مستقلی داشته باشد و از کارمندان بین‌المللی، از جمله دبیر کل، برای پیگیری اهداف و برنامه‌های خود بهره‌برند. بدین‌سان، جامعه ملل در سال ۱۹۱۹ پا گرفت و پس از فروکش آتش

سران کشورهای بزرگ صنعتی و دموکراتیک غربی و نیز روسیه در دو روز نخست ژوئن ۲۰۰۳ در ایویان فرانسه گرد آمدند تا به بحث، تبادل نظر و تصمیم‌گیری دربارهٔ مسائل گوناگونی که موجب نگرانی جهانی است، بپردازند. رهبران بسیاری از دولت‌های دیگر حتی چین، صدها دیپلمات، خبرنگار و هزاران تظاهرکننده و مخالف جهانی‌شدن، در حاشیهٔ این نشست سرگرم چانه‌زنی و فعالیت شدند. این نشست، سی‌امین نشست از این دست بود.

افزایش چشمگیر نظم، عضویت و دستور کار نشست‌های گروه ۸ در مقایسه با آن نشست‌های کوچک و غیررسمی که منجر به نخستین نشست سران گروه ۶ در رامبویه فرانسه در سال ۱۹۷۵ شد، نشانگر آن است که این گروه به یک کانون فعال برای حکومت بر جهان تبدیل شده است. اهمیت روزافزونی که موضوع جهانی‌شدن پیدا کرده و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری که از این جهت متصور است، در کنار ناتوانی سازمان ملل متحد در پیاده کردن کامل اهداف منشور ملل متحد و حفظ مؤثر صلح و امنیت بین‌المللی، موجب شده است که چنین گروه کوچکی داعیه حکومت جهانی داشته باشد و در این مسیر برنامه‌ها و اهداف خود را گسترده‌تر و به گونه جدی‌پی‌بگیرد و همین‌مارا بر

دکتر بهرام نوازی

استادیار روابط بین‌الملل و مدیر
گروه علوم سیاسی - دانشگاه
بین‌المللی امام خمینی (ره)

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ بار دیگر با تفاوت‌هایی، زیر نام سازمان ملل متحد ادامه حیات داد.

تاریخچه شکل‌گیری گروه ۸ نشان می‌دهد که اعضای این گروه که در سال ۱۹۷۵ شمارشان از پنج دولت فراتر نمی‌رفته، با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند که به بحران‌های جهانی دهه ۱۹۷۰ معروف است و برای حل آن بحران‌ها ناگزیر بوده‌اند از راهکار نخست یعنی تشکیل نظام موازنه قدرت مانند سده‌های هجدهم و نوزدهم بهره ببرند؛ با این تفاوت که این بار می‌بایست از قدرت‌های صرفاً دموکراتیک (یا دستکم مدعی اهداف دموکراتیک) عضوگیری کنند. گروه ۸ تنها نهاد بین‌المللی است که سران همه کشورهای بزرگ دموکراتیک به گونه منظم در آن گرد می‌آیند تا به مشکلاتی که جنبه جهانی دارد بپردازند.

دیدگاه‌های گوناگونی درباره این گروه وجود دارد. برخی نشست سالانه سران گروه ۸ را چیزی بیشتر از یک «بزم شبانه جهانی» نمی‌دانند که در آن دوستان دیرین دور هم می‌نشینند و در سایه عظمت و قدرت بین‌المللی خود تلاش می‌کنند به مردم فریب خورده بفهمانند که مشغول کارهای مهمی هستند.^۱ برخی دیگر، نشست‌های این گروه را با خوش‌بینی به «همایش سران» تشبیه می‌کنند و پاره‌ای آن را با بدبینی «گروه اخلاص‌گر بی‌خیال» می‌نامند که جز طرح افکار بی‌پایه و برهم زدن نظم و ثبات در صحنه بین‌المللی و درون کشورهای خود هنری ندارند.^۲ گروهی دیگر آن را یک «باشگاه خصوصی برای ایجاد حکومت ثروتمندان» می‌دانند که در آن رهبران کشورهای بزرگ، ثروتمند و سرمایه‌دار که بیشتر از سفیدپوستانند، سرگرم ساخت و پاخت برای به دست آوردن حداکثر سود و ایجاد جهانی مناسب‌تر برای اهداف و آرمان‌های خود هستند.^۳ برخی دیگر حتی آن را به شکل یک حکومت جهانی می‌بینند، زیرا این گروه یک شورای رهبری و شمار زیادی شورای تخصصی در سطح وزیران دارد و مقامات دولتی بسیاری نیز در پی اجرای تصمیم‌های این شوراها در جهان بعنوان یک کل

پس از بررسی تاریخچه تشکیل و تکامل گروه ۸ می‌توان استدلال کرد که این گروه در آغاز به صورت یک نهاد منطقه‌ای برای بحث و تبادل نظر درباره موضوعات مرتبط با منطقه خود و همکاری برای رسیدن به اهداف مشترک شرکت‌کنندگان پدیدار شده ولی چندی نگذشته است که سیر رویدادها و میل تصمیم‌گیران شرکت‌کننده در نشست‌های بعدی، آن را چنان تغییر داده که هم در عمل و هم در نیت اعضای این گروه، نوعی موازنه دموکراتیک تازه به روشنی قابل شناسایی است و بویژه زمانی که سازمان ملل متحد ابتکار عمل ندارد یا به علت کاربرد بی‌اندازه و نابجای حق و تویا افزایش بی‌دری شمار دولت‌های کوچک عضو، از حل و فصل بحران‌های بین‌المللی در می‌ماند، بعنوان نخستین و کوتاه‌ترین راه برای ایجاد یک حکومت جهانی مورد تأکید و توجه قرار می‌گیرد.

شکل‌گیری

نشست سران گروه ۸ در ایویان فرانسه سی‌امین نشست سران این گروه در بیست‌ونهمین سال تأسیس آن بود. ۲۹ سال پیش از آن، والرئو ژیسکار دستن، رئیس‌جمهور فرانسه و بنیان‌گذار این گروه نخستین هدف گروه را چنین تشریح کرد: «مامشکلات تورم و بیکاری داریم... روح همکاری از میان رفته و مادر میان‌رهبران دولت‌های سرمایه‌دار بزرگ هیچگاه گفتگویی جدی نداشته‌ایم که بگوئیم در حال حاضر چه می‌کنیم. کسانی که مسئولیت‌های خطیر دارند باید به بررسی این مشکلات بپردازند و گفتگو میان افرادی معدود در سطحی تقریباً خصوصی می‌تواند این مشکلات را برطرف سازد.»^۵

در واقع، همان‌گونه که ژیسکار دستن اشاره کرده است، در دهه ۱۹۷۰ مشکلات اقتصادی جدی پدید آمده بود که نه تنها کشورهای صنعتی بزرگ بلکه جامعه بین‌المللی را، بعنوان یک کل، گرفتار کرده بود. این بحران‌ها در حالی رخ می‌داد که سازمان‌های بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم تشکیل شده بودند از حل آنها ناتوان بودند. در

● هر چند گروه ۸ یک نهاد غیر رسمی است و دیگر کشورها الزامی به پذیرش دیدگاه‌های اعضای آن ندارند، اما از آنجا که این گروه در برگیرنده مهم‌ترین و پر قدرت‌ترین دولت‌های صنعتی است می‌تواند نیروی مؤثری در وادار کردن کشورهای دیگر به پذیرش خواسته‌های اعضا، تنظیم جهانی سازی و در نتیجه حکومت جهانی به شمار آید و حرکتی موازی با دولت‌های حاکم و سازمان‌های بین‌المللی موجود به راه اندازد.

۱۵ اوت ۱۹۷۱ ایالات متحده، یکجانبه از نظام نرخ ثابت مبادله بین‌المللی ارز خارج شد و در نتیجه خروج دلار که لنگرگاه آن بود و بر این اساس هم صندوق بین‌المللی پول (IMF) استوار شده بود، آن نظام فروپاشید. بر پایه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) که در سال ۱۹۴۷ ایجاد شده بود بطور رسمی در سال ۱۹۷۳ دور جدیدی از آزادسازی تجارت چندجانبه در توکیو شکل گرفت اما از آنجا که اقتصادهای بزرگ جهان تصمیم نداشتند از نظام حمایتی ملی خود دست بردارند، دور توکیو هم شکست خورد.^۶

بخش مهمی از این کندی و احتیاط در همکاریهای بین‌المللی معلول اقدامات تجاوز کارانه اسرائیل و شوک نفتی کشورهای عربی در تحریم نفتی سال ۱۹۷۳ بود که موجب افزایش قیمت، کاهش و قطع نفت مورد نیاز همه کشورهای پشتیبان اسرائیل از جمله غرب و ژاپن شده بود. در برخی نقاط جهان مانند جنوب اروپا نیز احزاب و گروه‌های کمونیستی در حال قدرت گرفتن و رسیدن به حکومت بودند؛ هند با آزمایش هسته‌ای، خود را به جمع کشورهای هسته‌ای تحمیل کرده بود و ایالات متحده در جنگ ویتنام شکست خورده و در آوریل ۱۹۷۵ این کشور را تخلیه کرده بود.

نخستین نشست سران کشورهای صنعتی در اواسط نوامبر ۱۹۷۵ در رامبویه واقع در حومه پاریس تشکیل شد. در این نشست که ظاهر آبرای بررسی امور مالی بین‌المللی تشکیل شده بود، سران فرانسه، ایالات متحده، بریتانیا، آلمان، ژاپن و ایتالیا همراه با چند صد تن دیپلمات و خبرنگار شرکت کرده بودند. البته امروزه کنفرانس‌ها و سازمان‌های بسیاری با شکل‌ها و اندازه‌های گوناگون فراوان دیده می‌شود. اما در آن زمان این گونه نشست‌های سران بسیار اندک و نادر بود.

این یک اندیشه اروپایی بود که پیش از آن هنگامی که ژیسکار دستن و هلموت اشمیت وزیران دارایی فرانسه و آلمان غربی بودند به گونه غیر رسمی و گاه و بیگاه به اجرا درمی‌آوردند. آنان از اینکه بعنوان وزیران دارایی ناگزیر بودند در نشست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

شرکت کنند، خسته شده بودند و بیشتر به نشست‌های خصوصی که با هم‌تایان آمریکایی و انگلیسی و ژاپنی خود در کتابخانه کاخ سفید برگزار می‌کردند رغبت نشان می‌دادند^۷ و هنگامی که رییس‌جمهور و صدراعظم شدند بهترین فرصت را برای رسمیت دادن به اندیشه خود پیدا کردند. در واقع، این اندیشه اروپایی در ادامه جامعه اروپایی بود که از سال ۱۹۵۷ تأسیس شده بود و هدفی جز تقویت استقلال منطقه‌ای آن نداشت. اما فوراً، رییس‌جمهور ایالات متحده و کیسینجر، وزیر خارجه وی همواره به این گروه بعنوان نهادی برای همکاری منظم درباره سیاست‌های اقتصادی کشورهای عضو گروه و اعمال نفوذ بیشتر بر باقی جهان می‌نگریستند.^۸ از دید ایالات متحده، برپایی این گروه یک برنامه آتلانتیک‌گرایانه بود که موجب می‌شد تا به پیمان‌های فرآتلانتیک بر حول محور سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) که در سال ۱۹۴۹ پی‌ریزی شده بود، جانی تازه بخشیده شود.

در آن زمان ژاپن، آلمان غربی و ایتالیا به چنان قدرتی دست یافته بودند که بتوانند با فاتحان در جنگ جهانی دوم که ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه بودند همپایگی کنند و بر سر یک میز به بررسی و حل و فصل امور سیاسی و اقتصادی خود در دو حوزه اقیانوس اطلس و آرام بپردازند. نخستین موضوعی که برای شرکت‌کنندگان مطرح بود شکل و ساختار این نهاد بود که از همان آغاز دو دیدگاه مطرح شد. دیدگاه نخست مربوط به فرانسه و آلمان غربی بود و وزیران دارایی آنها که با نام «گروه کتابخانه» در کتابخانه کاخ سفید درباره نظام پولی بین‌المللی به مشورت با یکدیگر می‌پرداختند، اکنون به ریاست جمهوری فرانسه و صدراعظمی آلمان غربی رسیده بودند. دیدگاه دوم به «کمسیون سه جانبه» تعلق داشت که بطور خصوصی تشکیل جلسه می‌داد و از یک نهاد سازمان یافته با برنامه و راهکار مشخص و تصمیم‌های دستجمعی اعضا جانبداری می‌کرد. نتیجه، سازشی بود که میان این دیدگاه‌های باصطلاح «کتابخانه‌ای» و «سه جانبه‌گرا» به وجود

● معمولاً تفاهم‌ها و تصمیمات اعضای گروه ۸ در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی بزرگی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان بازرگانی جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد و حتی بر سازمان ملل متحد و ناتو نیز اثر گذار است.

آمد و به تشکیل نهاد تازه انجامید ولی به سخن دیگر می‌توان گفت که مفهوم اساسی و طرح اصلی این نهاد از سوی هنری کیسینجر ریخته شد که پایان‌نامه دکترای خود را درباره «کنسرت اروپایی» در سده نوزدهم نوشته بود و در این زمان معتقد بود چیزی که جهان کنونی سخت بدان نیازمند است، یک کنسرت دموکراتیک جدید است که تنها متشکل از قدرت‌های بزرگ و دموکراتیک جهان باشد که رهبران آن بطور مرتب در نشست‌هایی که خوب زمینه‌چینی شده باشد، گرد آیند و درباره امور مهم روز، تصمیم‌گیری کنند.

امروزه با گذشت ۲۹ سال همچنان آرزوهای اولیه حفظ شده و نشست سران، کوچکی خود را ثابت نگه داشته است. در نخستین نشست تصمیم گرفته شد که شمار اعضای گروه تنها در حد ۷ دولت باقی بماند و شمار کسانی هم که از هر دولت عضو در این نشست‌ها شرکت می‌کنند اندک باشد: سران حکومت‌ها همراه با یک مشاور و گاهی به مناسبت، وزیران خارجه یا دارایی. مشاوران ویژه سران در این گروه به (Sherpa) معروفند و مسئولیت آماده‌سازی نشست و تنظیم پیش‌نویس مذاکرات و اسناد پایانی آن را بر عهده دارند. هیچ دبیر یا دبیر کل ثابت، هیچ مقر، هیچ زبان رسمی و هیچ منشور یا اساسنامه و آیین‌نامه‌ای برای این گروه پیش‌بینی نشده است.

کشوری که ریاست گروه را بر عهده می‌گیرد، میزبانی گروه را برای یک سال کامل (از اول ژانویه تا ۳۱ دسامبر) بر عهده دارد، محل و دستور کار نشست را تعیین، نشست‌های مقدماتی برای نشست سران را سازماندهی و بعنوان سخنگوی گروه در طول سال عمل می‌کند. رییس گروه همچنین مسئولیت مذاکره با کشورهای غیر عضو، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی را بر عهده دارد. نشست‌های مقدماتی برای تهیه دستور کار نشست سران برگزار می‌شود. بطور معمول، سه نشست پیش و یک نشست پس از نشست سران تشکیل می‌شود و در آنها مشاوران ویژه سران شرکت می‌کنند و به تبادل نظر درباره دستور کار سران می‌پردازند. مشاوران ویژه وزیران

خارجه و دارایی و همچنین مدیران کل سیاسی در وزارت خارجه کشورهای عضو نیز چند نشست تدارکاتی برگزار می‌کنند و همه اینها زمینه را برای گزارش‌هایی مشاوران ویژه سران فراهم می‌کند. سران کشورها به زبان خود صحبت می‌کنند ولی پیش‌نویس بیانیه‌های پایانی نشست سران به زبان انگلیسی است و در نهایت به زبان فرانسوی نیز ترجمه می‌شود. صورت مذاکرات در نشست‌های وزیران به زبان‌های گوناگون ترجمه می‌شود ولی همواره فرانسوی، انگلیسی و اغلب هم آلمانی است.

ریاست گروه، سالانه در میان کشورهای عضو به گونه ثابت می‌چرخد و از فرانسه آغاز می‌شود و به کانادا می‌انجامد. تاکنون چهار دوره ۷ ساله از عمر این گروه سپری شده به گونه‌ای که نشست ایویان پنجمین نشست است که پس از رامبویه ۱۹۷۵، ورسای ۱۹۸۲، پاریس ۱۹۸۹ و لیون ۱۹۹۶ به ریاست دوره‌ای فرانسه برگزار شده است. در نشست کانائاسکیس در سال ۲۰۰۲ توافق شد که به روسیه نیز عضویت کامل داده شود و آن دولت بعنوان عضو گروه و رییس دوره‌ای نشست مسکو در سال ۲۰۰۶ مورد پذیرش قرار گیرد.

تکامل

در نخستین نشست سران در نوامبر ۱۹۷۵ در رامبویه، رهبران شش کشور فرانسه، ایالات متحده، بریتانیا، آلمان غربی، ژاپن و ایتالیا شرکت داشتند که در زمان خود بزرگترین قدرت‌های دموکراتیک غربی به‌شمار می‌رفتند. بر پایه همین دو شرط «دموکراتیک» و «قدرت بزرگ»، در نشست دوم سران در سال ۱۹۷۶ در پورتوریکو، کانادا و در نشست سوم سران در ۱۹۷۷ در لندن، جامعه اروپا به گروه پیوستند. از آن پس عضویت در گروه تثبیت شد و با آنکه در سال ۱۹۸۹ رهبران ۱۵ کشور در حال توسعه در حاشیه نشست پاریس به تبادل نظر با اعضای گروه پرداختند و از سال ۱۹۹۱ رهبر اتحاد شوروی و سپس روسیه هر سال در گفتگوهای پس از نشست سران شرکت داشته ولی هیچ‌گاه درهای

● موضوعات مورد
علاقه و بحث سران گروه ۸
در گذر زمان تغییر یافته
است، اما آنان همواره
سیاست واکنشی نسبت به
رویدادها نداشته‌اند بلکه در
بسیاری موارد تلاش
کرده‌اند موضوعها و مسائل
را بر پایه آرمان‌ها و
اعتقادات خود تغییر دهند
و سامان‌دهی کنند.

گروه به روی اینان باز نشد و تنها روسیه، آنهم با شرایطی که خواهد آمد، موفق به پیوستن به گروه ۷ شد و آنرا به گروه ۸ تبدیل کرد.

درباره علت پذیرش کانادا به جمع این گروه شاید بتوان به اهمیت این کشور از جهت داشتن ذخایر نفتی، اورانیوم و دیگر منابع معدنی و قدرت اقتصادی آن در مهار کردن سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) و دیگر کارتل‌های اقتصادی که ممکن است در آینده سربر آورند اشاره کرد. جامعه اروپا که سلف اتحادیه اروپای کنونی بود، به علت شرکت داشتن در موضوعاتی که مربوط به حیطه صلاحیت این جامعه بود، مورد پذیرش گروه قرار گرفت. از دید لابی، اگر جامعه اروپا به عضویت در نمی‌آمد ممکن بود دیگر کشورهای اروپایی غیر عضو دست به تشکیل گروهی مشابه بزنند و در نتیجه فعالیت چهار عضو اروپایی این گروه را مختل کنند.^۱ از سال ۱۹۷۷ همواره این جامعه و به دنبال آن اتحادیه اروپا در مذاکرات شرکت داشته ولی هیچ‌گاه به عنوان یک مجموعه، ریاست و میزبانی نشست را بر عهده نگرفته است. از سوی اتحادیه اروپا، دو نفر در این نشست‌ها شرکت می‌کنند که عبارتند از رییس کمیسیون اروپایی و رهبر کشور عضو این اتحادیه که ریاست دوره‌ای این اتحادیه را بر عهده دارد. در نشست ایویان، نخست‌وزیر یونان به عنوان رییس دوره‌ای این اتحادیه شرکت کرده بود.

روسیه نیز به عنوان وارث ارشد اتحاد شوروی، گام‌های مهمی در راه پیاده کردن دموکراسی پایدار در کشور خود برداشته است. در سال ۱۹۸۸ و در پایان دوره دوم نشست‌های سران در تورنتوی کانادا کسی نمی‌دانست که اتحاد شوروی در مدت یک سال آینده فروپاشیده می‌شود و این نکته به موضوع اصلی نشست‌های سران در سراسر دوره سوم تبدیل خواهد شد. آزدسازی و اصلاحات در اروپای شرقی اندکی پیش از نشست پاریس در ژوئیه ۱۹۸۹ صورت گرفته بود. ولی نشست پاریس سبب شد تا گروه ۲۴، مرکب از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به ریاست کمیسیون اروپایی تشکیل

شود. گروه ۲۴ مأمور شده بود کمک‌های فنی و مالی لازم را در اختیار کشورهای اروپای شرقی قرار دهد و کاری کند که دموکراسی و اقتصاد بازار بتواند پس از ۴۰ سال حکومت کمونیستی در آن کشورها با موفقیت پیاده شود.

اما چندی نگذشت که توجه گروه ۷ به رویدادهای درون اتحاد شوروی و آینده این اتحادیه جلب شد. در سال ۱۹۸۹ میخائیل گورباچف، رهبر اتحاد شوروی، نامه‌ای به نشست سران در پاریس نوشت و از آنان خواست که این کشور را در جمع خود بپذیرند. مهمترین تحول در تاریخ این گروه زمانی صورت گرفت که چندی بعد در اوت ۱۹۹۰ و به دنبال حمله عراق به کویت، مارگارت تاچر، نخست‌وزیر بریتانیا، در مذاکره با جرج بوش، رییس‌جمهور آمریکا، به وی پیشنهاد کرد که از درخواست عضویت شوروی در گروه پشتیبانی شود و به این ترتیب گروه بتواند از طریق گورباچف، انجام اصلاحات در شوروی را تشویق و ترغیب کند. بوش و دیگر سران گروه نیز از این فکر پشتیبانی کردند و در نتیجه در سال ۱۹۹۱ در لندن، گروه ۷ برای نخستین بار در تاریخ خود، نشست مشترکی با رهبر یک غیر عضو خود برگزار کرد.^{۱۰}

چندی بعد، پیگیری اصلاحات در شوروی به سقوط گورباچف و به قدرت رسیدن بوریس یلتسین انجامید و از آن پس یلتسین به عنوان رهبر اصلاحات در روسیه شناخته شد. در ادامه سیاست‌های گروه ۷، یلتسین به دو نشست سران گروه در مونیخ (۱۹۹۲) و توکیو (۱۹۹۳) دعوت شد تا بطور مستقیم در جریان برنامه کمک‌های بین‌المللی برای پیگیری اصلاحات در روسیه قرار گیرد. این شاید نخستین بار بود که سران گروه ۷ درگیر امری خطیر شده بودند: از یک سو باید با همراهی نهادهای مالی بین‌المللی مقادیر زیادی پول به روسیه انتقال می‌دادند تا آن کشور بتواند برنامه اصلاحات خود را بی‌دشواری به انجام برساند و ساختار دموکراتیک در کشور برپا کند، و از سوی دیگر باید به درخواست‌های بی‌دری یلتسین برای عضویت کامل روسیه در گروه و

● نشست‌های سران گروه ۸ به گونه فزاینده با مسائل «فراملی» یا «امور جهانی» سروکار پیدا کرده که در زمینه‌های اقتصادی (انرژی، محیط زیست، روابط شرق-غرب و شمال-جنوب) و نیز زمینه‌های سیاسی-امنیتی (گسترش دموکراسی، حکومت مطلوب، حاکمیت قانون و مبارزه با تروریسم) رو به گسترش بوده است؛ اما هنوز مسائل و مشکلاتی هست که این گروه در عرصه‌های داخلی و جهانی بدان توجه نکرده است.

بیرون آمدن از حاشیه، پاسخ مساعد می‌دادند. به همین علت یکی از دغدغه‌های اصلی کلینتون، رییس جمهور وقت آمریکا، پیدا کردن راهی برای اعطای عضویت کامل به روسیه یلتسین بود.^{۱۱}

نخستین گام در این زمینه در سال ۱۹۹۴ در نشست ناپل برداشته شد و الگوی تازه‌ای ایجاد کرد. یلتسین دیگر نه بعنوان مدعو بلکه بعنوان یک شریک مساوی در بحث‌های سیاسی که نیمی از دستور کار نشست را تشکیل می‌داد، شرکت کرد. در نشست هالیفکس ۱۹۹۵، اتفاق مهم دیگری رخ داد و آن پیشنهاد یلتسین برای برگزاری یک نشست ویژه درباره مسائل هسته‌ای بود. با پذیرش این پیشنهاد از سوی دیگر سران گروه، نشست در سال ۱۹۹۶ در مسکو، تنها برای بررسی یک موضوع یعنی امنیت هسته‌ای برگزار شد (این دومین نشست بود که برای نخستین بار در تاریخ فعالیت این گروه در یک سال برگزار می‌شد). در پی همکاری صمیمانه روسیه با دیگر کشورهای عضو گروه، نشست سران در سال ۱۹۹۷ در دنور آمریکا «سران هشت» (Summit of the Eight) نامگذاری شد و یلتسین نیز از همان آغاز نشست در آن حضور یافت.

بشپه‌بانی‌های کلینتون و دیگر سران گروه و همچنین رویکرد غرب گرایانه روسیه در امور بین‌المللی از جمله تن دادن به گسترش ناتو به شرق و همکاری در شورای امنیت سازمان ملل موجب شد که روند پیوستن روسیه به گروه ۷ با شتاب بیشتری تکمیل گردد. بی‌همکاری روسیه، تلاش گروه ۷ در زمینه سیاست خارجی و موضوعات جهانی به یقین همچون گذشته با مشکلاتی روبه‌رو می‌شد و اعضای گروه که خود از ارکان باشگاه پاریس، سازمان تجارت جهانی و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بودند، در نظر داشتند با تقویت انسجام ملی روسیه، این کشور را به پیوستن به اقتصاد جهانی ترغیب کنند.^{۱۲} ولی از آنجا که دومین پایه عضویت در گروه «دموکراتیک بودن» اعضا بود، باید دقت بسیار می‌شد روسیه وفاداری خود به معیارهای دموکراسی غربی را در عمل نشان دهد. به همین علت بود که برخی

نشست‌ها همچنان به صورت گروه هفت نفره برگزار می‌شد و بر این اساس تا سال ۲۰۰۱، سران گروه همواره دو بیانیه صادر می‌کردند: یکی از سوی گروه ۸ که به همه موضوعات اقتصادی و مالی مورد نظر می‌پرداخت و دیگری تنها از سوی گروه ۷ (منهای روسیه) که به مسائل مالی اختصاص می‌یافت.

در نشست کاناناسکیس کانادا در سال ۲۰۰۲ توافق شد که روسیه میزبانی و در نتیجه ریاست گروه ۸ را برای سال ۲۰۰۶ برعهده گیرد و این به معنی قدردانی از تلاش‌های روسیه در راه پیشبرد اصلاحات اقتصادی و دموکراتیک بود. نوبت میزبانی و ریاست روسیه بر این گروه به جای اینکه در پایان فهرست قرار گیرد در میانه آن جای داده شد و با این کار، گروه نشان داد که روسیه را بعنوان عضو کامل و قدرتمند می‌شناسد و مایل نیست کسی آن را حلقه ضعیف و آخر زنجیره بداند. دلیل دیگر آن بود که بنا به پیشنهاد تونی بلر، نخست‌وزیر بریتانیا، با پایان میزبانی بریتانیا در سال ۲۰۰۵ و آغاز میزبانی روسیه در سال ۲۰۰۶، در واقع عمر گروه ۷ نیز به پایان می‌رسید و گروه ۸ میزبانی خود را آغاز می‌کرد. در کاناناسکیس همچنین توافق شد که وزیران گروه ۷ همچون گذشته به نشست‌های خود ادامه دهند و چنانچه روسیه بتواند تا سال ۲۰۰۶ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید و قدرت اقتصادی و مالی خود را باز یابد، اجازه پیدا کند که در نشست وزیران داریبی، بازارگانی و دیگر نشست‌های وزیران گروه نیز شرکت کند.^{۱۳}

دستور کار

نگاهی به دستور کار نشست‌های سران گروه ۸، از آغاز تاکنون، نشان دهنده رشد فزاینده موضوعات مطرح شده در این نشست‌هاست. مأموریت اصلی این گروه چنان که در نخستین بیانیه گروه در نشست رامبو به با صراحت بیان و بدان افتخار شده است، عبارت بوده از تقویت دموکراسی، آزادی فردی و پیشرفت اجتماعی. این موضوع نشان می‌دهد که گروه نه تنها به مسائل اقتصادی بلکه به موضوعات سیاسی و نه تنها به

● در گذر زمان مشکلات جدید و پیچیده‌تری فراروی گروه ۸ پدید آمده است و به نظر می‌رسد که گروه در رویارویی با برخی از آنها ناکارآمد بوده است. همین که برخی مسائل نگران کننده مانند تروریسم، آزمایش‌های هسته‌ای و گسترش جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی سالها در دستور کار نشست سران باقی مانده است، خود نشان از ناتوانی و ناکارایی گروه ۸ در حل آنها دارد.

مسائل و موضوعات این چنینی در سطح ملی و کشورهای خود، بلکه در سطح جهانی و برای همه جوامع علاقمند بوده است. با وجود این، توجه گروه در این نشست در عمل بیشتر به امور مالی بین‌المللی و سیاست‌های اقتصادی خرد، تجارت بین‌المللی و توسعه بین‌المللی در رابطه با شکاف موجود میان شمال و جنوب بود. برای نمونه، هارولد ویلسون، نخست‌وزیر وقت بریتانیا، تلاش زیادی کرد که توجه سران را به اصلاح نهادهای بین‌المللی جلب کند اما این امر همراه بسیاری دیگر از موضوعات جدی گرفته نشد. نخستین رهبران گروه ۸ بویژه ژنرال دستن، اشمیت و کارتر، توقع داشتند که گروه بیشتر از چیزهای دیگر، به هماهنگی سیاست‌های اقتصادی، حمایت از نظام پولی مناسب و سیاست‌های تجاری و انرژی بپردازد. در نشست‌های اولیه از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ بویژه در نشست بن در سال ۱۹۷۸ برنامه‌ای درخشان برای تقویت رشد مالی و کاهش کاربرد انرژی تهیه شد.

اما دوره دوم از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸ دوره‌ای بسیار متفاوت بود. به علت تغییر شرایط بین‌المللی و پیش آمدن مسائل تازه، سران گروه رویکردهای تازه‌ای در پیش گرفتند. حمله نظامی شوروی به افغانستان، پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط دولت

جدول ۱: وزیران شرکت کننده و موضوعات در حال گسترش گروه ۸

تاریخ	طرح‌های کاری، بیانیه‌ها و اظهارات سران	وزیران شرکت کننده
۲۰۰۳	گزارش مشاوران ویژه در امور آفریقا درباره پیشرفت‌های اجرایی طرح کاری سران گروه ۸ در آفریقا، طرح کاری سران گروه ۸ درباره آب، طرح کاری سران گروه ۸ درباره بهداشت، طرح کاری سران گروه ۸ درباره مبارزه با مرگ‌ومیر در آفریقا، طرح کاری سران گروه ۸ درباره همکاری جهانی در مبارزه با گسترش تسلیحات و مواد و ویژه کشتار جمعی، گزارش سالانه گروه مقامات ارشد گروه ۸ درباره همکاری جهانی در مبارزه با گسترش تسلیحات و مواد ویژه کشتار جمعی، طرح کاری سران گروه ۸ درباره ایجاد تمایل سیاسی بین‌المللی و ظرفیت مبارزه با تروریسم، طرح کاری سران گروه ۸ درباره محیط زیست دریایی و امنیت نفت کش‌ها، طرح کاری سران گروه ۸ درباره علم و فناوری برای توسعه پایدار، طرح کاری سران گروه ۸ درباره گسترش امنیت حمل و نقل و کنترل نظام دفاع هوایی قابل حمل، بیانیه سران گروه ۸ درباره جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی، بیانیه سران گروه ۸ درباره جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی و تأمین امنیت منابع رادیو اکتیو، طرح کاری سران گروه ۸ درباره جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی و تأمین امنیت منابع رادیو اکتیو، طرح همکاری سران گروه ۸ درباره تقویت رشد و افزایش اقتصاد بازار پاسخگو، بیانیه سران گروه ۸ درباره مبارزه با فساد و بهبود شفاف‌سازی	خارج، دارایی، محیط زیست، توسعه
۲۰۰۲	بیانیه سران گروه ۷ درباره وعده کمک بیشتر به آفریقا، بیانیه سران گروه ۸ درباره همکاری جهانی گروه ۸ برای مبارزه با گسترش تسلیحات و مواد ویژه کشتار جمعی، طرح کاری سران گروه ۸ درباره آفریقا، طرح کاری سران گروه ۸ درباره توجه جدید به آموزش برای همگان، طرح کاری سران گروه ۸ درباره امنیت حمل و نقل، نقش روسیه در گروه ۸، گزارش نیروی مأمور بررسی فرصت‌های دیجیتالی و ایجاد فرصت‌های دیجیتالی برای همگان	خارج، دارایی، بازرگانی، محیط زیست، کار، دادگستری و کشور، انرژی، بهداشت و توسعه
۲۰۰۱	بیانیه پایانی، طرح برای آفریقا، بیانیه گروه ۸ درباره خاورمیانه، بیانیه گروه ۸ درباره موضوعات منطقه‌ای، بیانیه گروه ۸ درباره مرگ یک تظاهر کننده در جنوا، بیانیه گروه ۷، طرح فرصت‌های دیجیتالی برای همگان: بررسی گزارش مشکلات نیروی مأمور رسیدگی به فرصت‌های دیجیتالی از جمله پیشنهادی برای یک طرح کاری جنوا	خارج، دارایی، بازرگانی، محیط زیست، کار، دادگستری و کشور، انرژی و بهداشت
۲۰۰۰	بیانیه پایانی، منشور جامعه اطلاعاتی جهانی، بیانیه گروه ۸ درباره شبه جزیره کره، بیانیه گروه ۸ درباره مسائل منطقه‌ای، بیانیه گروه ۷	خارج، دارایی، بازرگانی، محیط زیست، کار، دادگستری و کشور، انرژی
۱۹۹۹	بیانیه پایانی، بیانیه گروه ۸ درباره موضوعات منطقه‌ای، منشور: اهداف و آرزوهای برای آموزش مادام‌العمر، بیانیه گروه ۷	خارج، دارایی، بازرگانی، محیط زیست، کار، دادگستری و کشور، انرژی
۱۹۹۸	بیانیه پایانی، بیانیه درباره مواد مخدر و جنایات بین‌المللی، بیانیه درباره ایرلند شمالی، بیانیه سیاسی درباره موضوعات منطقه‌ای	خارج، دارایی، بازرگانی، محیط زیست، کار، دادگستری و کشور

۱۹۹۷	بیانیه پایانی، گزارش مطبوعاتی وزیران خارجه درباره برخورد با مشکلات اقتصادی و مالی جهانی، بیانیه گروه ۷ درباره افزایش ثبات مالی، بیانیه درباره بوسنی و هرزگوین، بیانیه درباره کامبوج	خارجه، دارایی، بازرگانی، محیط زیست، کار، دادگستری و کشور
۱۹۹۶	بیانیه اقتصادی، بیانیه درباره تروریسم، گزارش وزیران دارایی درباره ثبات پولی بین‌المللی، بیانیه سیاسی گروه ۷ و روسیه درباره امنیت و ثبات بیشتر در جهانی بهتر، تصمیمات درباره بوسنی و هرزگوین، همکاری جدید درباره توسعه پس از يك نشست کاری با دبیر کل سازمان ملل، مدیر اجرایی صندوق بین‌المللی پول، رییس بانک جهانی و مدیر کل سازمان تجارت جهانی	خارجه، دارایی، بازرگانی، محیط زیست، کار
۱۹۹۶	بیانیه سران درباره امنیت هسته‌ای، برنامه برای جلوگیری و مبارزه با قاچاق مواد هسته‌ای، نظارت و کنترل بر مواد هسته‌ای و حفاظت فیزیکی، نظارت مفید و مؤثر بر تسلیحات مبتنی بر مواد شکاف پذیر چون دیگر نیازی برای اهداف دفاعی وجود ندارد، امنیت هسته‌ای، بیانیه درباره لبنان و روند صلح در خاورمیانه، بیانیه درباره معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای، بیانیه درباره اوکراین با حضور کوچما رییس جمهور اوکراین	
۱۹۹۵	بیانیه مروری بر نهادهای مالی بین‌المللی، بیانیه سیاسی گروه ۷ با حضور روسیه، بیانیه گروه ۷ درباره وضع یوگسلاوی سابق	خارجه، دارایی، بازرگانی، محیط زیست
۱۹۹۴	بیانیه پایانی، بیانیه سیاسی گروه ۷ با حضور روسیه	خارجه، دارایی، بازرگانی، محیط زیست، کار
۱۹۹۳	بیانیه اقتصادی درباره تعهدات بیشتر برای ایجاد اشتغال و رشد، بیانیه سیاسی در زمینه تلاش برای ایجاد جهانی امن تر و آرام تر، گزارش وزیران دارایی گروه ۷ درباره تقویت همکاری‌های گروه ۷ برای افزایش اشتغال رشد بدون تورم	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۹۲	بیانیه اقتصادی درباره همکاری برای رشد و جهان امن تر، بیانیه سیاسی درباره همکاری‌های جدید، بیانیه درباره یوگسلاوی سابق	خارجه، دارایی، بازرگانی، محیط زیست
۱۹۹۱	بیانیه اقتصادی درباره همکاری‌های جهانی، بیانیه سیاسی درباره تقویت نظم بین‌المللی، بیانیه درباره انتقال تسلیحات متعارف و منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۹۰	بیانیه اقتصادی، بیانیه سیاسی درباره تأمین دموکراسی، بیانیه درباره موضوعات فراملی	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۹	بیانیه اقتصادی، بیانیه درباره چین، بیانیه درباره روابط شرق-غرب، بیانیه درباره حقوق بشر، بیانیه درباره تروریسم، بیانیه درباره درگیری اعراب-اسرائیل، بیانیه درباره آفریقای جنوبی، بیانیه درباره آمریکای مرکزی، بیانیه درباره پاناما، بیانیه درباره کامبوج، بیانیه درباره لبنان	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۸	بیانیه اقتصادی، بیانیه سیاسی درباره تأمین دموکراسی	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۷	بیانیه اقتصادی، بیانیه درباره روابط شرق-غرب، بیانیه درباره تروریسم، بیانیه درباره جنگ ایران و عراق و آزادی کشتیرانی در خلیج فارس	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۶	بیانیه اقتصادی، بیانیه درباره تروریسم بین‌المللی، بیانیه درباره پیامدهای واقعه هسته‌ای چرنوبیل، بیانیه درباره انتظار آینده‌ای بهتر	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۵	بیانیه اقتصادی درباره رشد پایدار و اشتغال بیشتر، بیانیه سیاسی به مناسبت سالگرد چهلیمین سال پایان جنگ جهانی دوم	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۴	بیانیه اقتصادی، بیانیه درباره ارزش‌های دموکراتیک، بیانیه درباره تروریسم بین‌المللی، بیانیه درباره روابط شرق-غرب و کنترل تسلیحات	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۳	بیانیه اقتصادی درباره بهبود اقتصادی: تقویت همکاری‌های اقتصادی برای رشد و ثبات، بیانیه سیاسی درباره امنیت	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۲	بیانیه درباره تعهدات پولی بین‌المللی، بیانیه درباره لبنان	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۸۱	بیانیه، بیانیه درباره تروریسم	خارجه، دارایی
۱۹۸۰	بیانیه، بیانیه درباره گروهان‌گیری دیپلمات‌ها، بیانیه درباره پناهندگان، بیانیه درباره موضوعات سیاسی (افغانستان)، بیانیه درباره هواپیماربابی	خارجه، دارایی
۱۹۷۹	بیانیه، بیانیه درباره گروهان‌گیری دیپلمات‌ها، بیانیه درباره پناهندگان، بیانیه درباره موضوعات سیاسی (افغانستان)، بیانیه درباره هواپیماربابی، بیانیه درباره پناهندگان هند و چینی	خارجه، دارایی
۱۹۷۸	بیانیه، بیانیه سیاسی درباره هواپیماربابی	خارجه، دارایی، بازرگانی
۱۹۷۷	بیانیه، ابعاد اقتصادی جهانی، تأمین مالی تراز پرداخت، بازرگانی، انرژی، روابط شمال-جنوب	خارجه، دارایی
۱۹۷۶	بیانیه	خارجه، دارایی

● گروه ۸ بعنوان يك كنسرت غير رسمي از بزرگترین و ثروتمندترین دولت‌های دموکراتیک صنعتی در آرزوی به دست گرفتن زمام امور و ایفای نقش بعنوان «هیأت مدیره» جهان است.

همپیمان ایالات متحده در ایران و شوک نفتی سال ۱۹۷۹، همگی منجر به نگرانی‌های جدی امنیتی، برهم خوردن موازنه قدرت در منطقه، افزایش تورم و برهم خوردن آن برنامه‌رؤیایی شد. ۱۴ روی کار آمدن ناچر، مشهور به زن آهنین در بریتانیا، ریگان، مبتکر جنگ ستارگان در ایالات متحده و میتران در فرانسه نیز موجب تغییرات عمیق تری شد. در نتیجه بهبود اقتصادی که از سال ۱۹۸۳ آغاز شده بود، ناچر، ریگان، میتران و کهل موضوع هماهنگی سیاست‌های اقتصادی را به گروه وزیران دارایی که در نشست ۱۹۸۹ توکیو تشکیل شده بود، سپردند و خود به مسائل سیاست خارجی در دستور کار رسمی‌شان پرداختند. اما این موضوعات به گونه پراکنده و بی‌فراهم شدن مقدمات لازم در دستور کار نشست قرار گرفته بود. البته در گذشته هم گاهی سران گروه به مسائل سیاسی پرداخته بودند، از جمله در نشست ۱۹۷۹ توکیو که به صدور دو بیانیه درباره پناهندگان اندونزیایی و هوایماربایی منجر شد، ولی این وضع بی‌برنامه قبلی بیش آمده بود. تنها در نشست ۱۹۸۰ و نیز بود که حمله شوروی به افغانستان بعنوان موضوع اصلی در دستور کار سران قرار گرفت و پیش از نشست سران، کارهای مقدماتی و کارشناسی درباره آن انجام شد (به جدول شماره ۱ نگاه کنید).

چنان که در جدول شماره ۱ دیده می‌شود در کمتر نشستی است که تجارت بین‌المللی در دستور کار سران قرار نگرفته باشد. در این راستا هدف اصلی گروه همواره این بوده که از تمایلات حمایتی کشورهای دیگر جلوگیری کند. گاهی موضوعات ساختار اقتصادی مانند کشاورزی و اشتغال هم مورد بحث سران قرار داشته است. گروه بیشترین تلاش را داشته تا مذاکرات در زمینه تجارت بین‌المللی را تشویق کند و نمونه روشن آن نشست بن در سال ۱۹۸۵ بود که انگیزه اصلی برای دور توکیو درباره مذاکرات تجاری چندجانبه برای گات را فراهم کرد.

به نظر می‌رسد موضوعات غیراقتصادی مربوط به سیاست خارجی با اینکه سال‌ها بعد در دستور کار سران قرار گرفته اما هر سال اهمیت

بیشتری یافته است. تصمیم کمک به لهستان و مجارستان در نشست ۱۹۸۹ پاریس گرفته شد که زمینه‌های آن پیش از نشست فراهم شده بود. گسترش دموکراسی در سراسر اروپای مرکزی و شرقی یکی دیگر از موضوعات سیاسی بود که در نشست ۱۹۹۰ هوستون مطرح شد. بحران خلیج فارس هم موضوع اصلی نشست ۱۹۹۱ لندن بود که به تقویت يك انضباط بین‌المللی درباره انتقال تسلیحات متعارف و افزایش توان سازمان ملل برای حل و فصل بحران‌های انسانی انجامید.

در نشست ۱۹۹۰ هوستون که در پی فروپاشی اتحاد شوروی برگزار شد، سران گروه با مسائل بزرگ و تازه‌ای روبه‌رو بودند، از جمله اینکه جنگ سرد پایان یافته و دیوار برلین برچیده شده بود و اروپای شرقی و مرکزی و همچنین کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق، دست کمک به سوی گروه دراز کرده بودند و چنان که گروه پیش از آن وعده کرده بود، ناگزیر بود کمک‌های خود را برای برپایی اقتصاد بازار و پیاده کردن دموکراسی در آن سرزمینها عملی کند؛ دیگر آنکه موضوعاتی اقتصادی و سیاسی بعنوان «موضوعات جهانی» مطرح بود و سران گروه خود را ملزم به پیدا کردن راه چاره برای آنها می‌دانستند.

برخی از این مسائل مانند اشتغال، جنبه اقتصادی داشت. در بسیاری از کشورهای اروپایی بیکاری به يك معضل تبدیل شده بود. کلینتون نخستین کسی بود که با قرار دادن این موضوع در دستور کار وزیران دارایی و کار در سال ۱۹۹۴ در دیترویت توجه گروه را پیش از نشست سران در ناپل به آن جلب کرد. ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه، این موضوع را در دستور کار نشست سران ۱۹۹۶ در لیون قرار داد و در نشست ۱۹۹۸ در بیرمنگام نیز مسئله اشتغال مورد توجه بود. برخی نگرانی‌های زیست‌محیطی نیز که در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل (UNCED) در ریو در ژوئن ۱۹۹۲ مطرح شده بود، به تدریج در گفتگوهای سران وارد شد.

برخی از موضوعات مورد علاقه گروه، مانند چشم‌پوشی از بدهی‌های کشورهای بدهکار و

● گروه ۸ با اختصاص دادن ۷۰ درصد هزینه‌های نظامی جهان به خود، برخوردار از بیش از ۶۵ درصد درآمدهای جهان و بیش از ۴۶ درصد تولید ناخالص جهان، حق دارد خود را کانون «تنظیم جهانی سازی» بشمارد و بدین ترتیب برای تغییر دلخواهانه این تنظیمات و ترتیبات، خود را «مسئول» بدانند و در این راستا خواست خود را بر خواست دیگر کشورهای جهان بویژه کشورهای فقیر مقدم دارد.

سنگی بودار با عنوان توهین به ارزش‌های متنوع فرهنگی و بردباری مذهبی مورد احترام این گروه محکوم کرده بود، اما رویدادهای ۱۱ سپتامبر موجب شد که گروه در روز پس از حملات برای بررسی موضوع و پیش‌بینی پاسخ جمعی و فوری در رویارویی با تروریسم بسیج شود. هنگامی که زمان عملیات نظامی بر ضد طالبان فراسید همه اعضای گروه ۸ به بهترین گونه ممکن کمک‌های خود را روانه کارزار کردند. بریتانیا و کانادا به سرعت نیروهای سه‌گانه خود را برای کمک به نیروهای زیر فرماندهی ایالات متحده به افغانستان و خلیج فارس فرستادند و کانادا موضوع مبارزه با تروریسم را در سرلوحه دستور کار نشست سران در سال ۲۰۰۲ در کاناناسکیس قرار داد. ژاپن هم نیروی دریایی خود را برای نخستین بار در تاریخ خود تا اقیانوس هند پیش راند تا نیروهای آمریکایی را تدارک کند و مسئولیت بسیج مالی برای بازسازی افغانستان پس از سقوط طالبان را عهده‌دار شد.

نگاهی به موضوعات مطرح و تصمیمات گرفته شده در نشست کاناناسکیس و ایوان بهروشنی نشان می‌دهد که این گروه همواره در حال گسترش علایق خود در زمینه‌های مختلف و مناطق گوناگون جهان است و برای رسیدگی به این موضوعات گوناگون همچنان از ساختار محدود خود و حداکثر از نشست‌های تخصصی وزیران خود بهره می‌برد و سخت از گشایش درهای گروه به روی اعضای جدید و دولت‌هایی که دو ویژگی اصلی یعنی «دموکراتیک بودن» و «قدرت بزرگ بودن» را ندارند، جلوگیری می‌کند. در واپسین دوره نشست‌های سران گروه ۸ که در ایوان و به میزبانی ریاست فرانسه برگزار شد، گروه بر چهار موضوع اساسی تکیه کرد که صرف نظر از منافع ملی یا علائق داخلی اعضا، عبارت است از: (۱) همبستگی و احساس مسئولیت مشترک بویژه در قبال توسعه آفریقا و دسترسی دسترس همگان به آب؛ (۲) مسئولیت‌پذیری نه فقط حکومت‌ها بلکه همه بخش‌های اقتصادی بویژه شرکت‌های تجاری و تولیدی در زمینه‌های مالی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی؛ (۳) امنیت برای تقویت

بهبود وضع بهداشت در جوامع توسعه نیافته جنبه بشردوستانه داشت. نشست ۱۹۹۶ لیون بر موضوع گسترش بازرگانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خصوصی و کاهش بدهی بیش از ۳۷ میلیارد دلاری ۳۸ کشور ضعیف بسیار بدهکار (HIPC) و نشست ۱۹۹۷ دنور بر موضوع آفریقای مرکزی که از نظر اقتصادی عقب مانده و با فجایع انسانی زیادی دست به گریبان بود، تمرکز یافت. این نخستین بار در طول ۲۲ سال بود که سران گروه به موضوع آفریقا علاقه نشان می‌دادند. دیگر مسائل جهانی بیشتر ویژگی سیاسی داشته و مهمترین آنها مربوط به جرم‌های بین‌المللی: پول‌شویی و قاچاق مواد مخدر (از سال ۱۹۸۷)؛ تروریسم (گاه و بیگاه از سال ۱۹۷۸)؛ جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای و قاچاق مواد آن (از سال ۱۹۹۰) و فساد مالی بوده است. نیکولاس بین استدلال کرده است که در هر نشستی از ۱۹۹۰ به این سو، اعضای گروه یکدیگر را تشویق کرده‌اند که از جهانی شدن بیشترین بهره‌ر را ببرند و ایالات متحده از زمان کلینتون به این سو بیشترین بهره‌برداری را در این زمینه کرده است.^{۱۵}

تازه‌ترین موضوعات مورد توجه رهبران گروه ۸ عبارت است از منشوری درباره جامعه اطلاعاتی جهانی برای حفاظت از همبستگی اجتماعی و تنوع فرهنگی، مبارزه با جرایم اینترنتی (از سال ۲۰۰۰)، ایجاد یک صندوق جهانی برای مبارزه با ایدز، سل و مالاریا با سرمایه اولیه ۱/۳ میلیارد دلار (از سال ۲۰۰۱)، مبارزه با تروریسم، همکاری جهانی در برابر گسترش تسلیحات و مواد ویژه کشتار جمعی، طرح کاری برای آفریقا و حمایت از توسعه اقتصادی و سیاسی کشورهای این قاره و راه‌اندازی همکاری‌های تازه در میان کشورهای شمال (از سال ۲۰۰۲).

مسئله امنیت جهانی در میان تازه‌ترین موضوعات، مورد توجه سران گروه ۸ است که بی‌درنگ پس از حملات ۱۱ سپتامبر به ایالات متحده مطرح شده است. گرچه گروه ۸ پیش از این نیز رفتار ناپسند و خشونت‌بار طالبان با مردم افغانستان و نابود ساختن مجسمه‌های بزرگ

مکان	کشور میزبان	رئیس	تاریخ
	کانادا		۲۰۱۰
	ایتالیا		۲۰۰۹
	ژاپن		۲۰۰۸
	آلمان		۲۰۰۷
	روسیه		۲۰۰۶
	انگلستان		۲۰۰۵
	ایالات متحده		۲۰۰۴
اویان	فرانسه	ژاک شیراک	۳-۱ ژوئن ۲۰۰۳
کاناناسکیس	کانادا	ژان کرتین	۲۶-۲۷ ژوئن ۲۰۰۲
جنوا	ایتالیا	سیلیویو برلوسکونی	۲۰-۲۲ ژوئیه ۲۰۰۱
اوکیناوا	ژاپن	یوشیرو موری	۲۱-۲۳ ژوئیه ۲۰۰۰
کلن	آلمان	گرهارد شرودر	۱۸-۲۰ ژوئن ۱۹۹۹
بیرمنگام (نشست سران)	انگلستان	تونی بلر	۱۵-۱۷ می ۱۹۹۸
دنور (نشست سران)	ایالات متحده	بیل کلینتون	۲۰-۲۲ ژوئن ۱۹۹۷
لیون	فرانسه	ژاک شیراک	۲۷-۲۹ ژوئن ۱۹۹۶
مسکو (نشست سران با موضوع ایمنی هسته‌ای و امنیت)	روسیه	بوریس یتسین	۱۹-۲۰ آوریل ۱۹۹۶
هالیفاکس	کانادا	ژان کرتین	۱۵-۱۷ ژوئن ۱۹۹۵
ناپل	ایتالیا	سیلیویو برلوسکونی	۸-۱۰ ژوئیه ۱۹۹۴
توکیو (توکیو ۲)	ژاپن	کیچی میازاوا	۷-۹ ژوئیه ۱۹۹۳
مونینخ	آلمان	هلموت کهل	۶-۸ ژوئیه ۱۹۹۲
لندن (لندن ۳)	انگلستان	جان میجر	۱۵-۱۷ ژوئیه ۱۹۹۱
هوستون	ایالات متحده	جورج بوش	۹-۱۱ ژوئیه ۱۹۹۰
پاریس	فرانسه	فرانسوا میتران	۱۴-۱۶ ژوئیه ۱۹۸۹
تورتو	کانادا	بریان مولرونی	۱۹-۲۱ ژوئن ۱۹۸۸
ونیز (ونیز ۲)	ایتالیا	آمینتوره فانفانی	۸-۱۰ ژوئن ۱۹۸۷
توکیو (توکیو ۲)	ژاپن	یاسوهیرو ناکازونه	۴-۶ می ۱۹۸۶
بن (بن ۲)	آلمان غربی	هلموت کهل	۲-۴ می ۱۹۸۵
لندن (لندن ۲)	انگلستان	مارگرت تاچر	۷-۹ ژوئن ۱۹۸۴
ویلیامزبورگ	ایالات متحده	رونالد ریگان	۲۸-۳۰ مه ۱۹۸۳
ورسای	فرانسه	فرانسوا میتران	۴-۶ ژوئن ۱۹۸۲
اوتاوا	کانادا	پیر الیوت ترو دو	۲۰-۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱
ونیز	ایتالیا	فرانسکو کاسیگا	۲۲-۲۳ ژوئن ۱۹۸۰
توکیو	ژاپن	ماسایوشی اوئیرا	۲۸-۲۹ ژوئن ۱۹۷۹
بن	آلمان غربی	هلموت اشمیت	۱۶-۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸
لندن	انگلستان	جیمز کالاهان	۷-۸ مه ۱۹۷۷
سان خوان (پورتوریکو)	ایالات متحده	جرالد فورد	۲۷-۲۸ ژوئن ۱۹۷۶
رامبویه	فرانسه	والری ژیسکاردستن	۱۵-۱۷ نوامبر ۱۹۷۵

● اعتراضهای گستردهٔ مردمی در سیاتل و دیگر نقاط جهان به گروه ۸ و دیگر نهادهای جهانی مانند سازمان جهانی بازرگانی، نه تنها ادعای این گروه مبنی بر «دموکراتیک بودن» رانفی می‌کند بلکه بر اولویت‌ها و سیاست‌های سران و وزیران گروه ۸ اثر می‌گذارد. اینان ناگزیرند عناصر بین‌المللی بیرون از چارچوب خود را نیز در نظر بگیرند.

مبارزه با تروریسم و جلوگیری از گسترش تسلیحات ویژه کشتار جمعی؛ و ۴) دموکراسی از راه گفتگوی روزافزون با سازمان‌های غیردولتی و دیگر دولت‌ها.^{۱۶}

همه اینها نشان می‌دهد که سایت اینترنتی رسمی دولت فرانسه حق دارد در تشریح فعالیت‌های گروه ۸ بگوید که «گروه ۸ احساس مسئولیت ویژه‌ای برای خود دارد» و ثابت کرده است که وقتی زمان «تنظیم جهانی سازی» فرارسد، می‌تواند «به تنهایی یک نیروی مؤثر» در این زمینه باشد. گروه ۸ بعنوان یک کنسرت غیر رسمی از بزرگترین و ثروتمندترین دولت‌های دموکراتیک صنعتی در آرزوی به دست گرفتن زمام امور و ایفای نقش بعنوان «هیأت مدیره» جهان است.^{۱۷} چنان که آمارهای واقعی و تخمینی سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد، گروه ۸ با اختصاص دادن ۷۰ درصد هزینه‌های نظامی جهان به خود، برخورداری از بیش از ۶۵ درصد درآمدهای جهان و بیش از ۴۶ درصد تولید ناخالص جهان، حق دارد خود را کانون «تنظیم جهانی سازی» بشمارد و بدین ترتیب برای تغییر دلخواهانه این تنظیمات و ترتیبات، خود را «مسئول» بداند و در این راستا خواست خود را بر خواست دیگر کشورهای جهان بویژه کشورهای فقیر مقدم دارد. (به جدول ۲ نگاه کنید).

چنان که تاریخ نشان می‌دهد، در گوناگونها همواره ادامه داشته و هیچ نشانه‌ای از ایستایی موجود نیست. گروه ۸ از زمان شکل‌گیری فراز و نشیب‌های بسیاری به خود دیده است؛ جهان نیز چنین بوده است. برای نمونه، توان اقتصادی چین در دوره اصلاحات در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۵ چهار برابر شده است. اقتصاد چین پذیرای ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان بوده و به بزرگترین طرف تجاری ایالات متحده تبدیل شده است. چین به تنهایی اقتصادی بزرگتر از همه کشورهای عضو گروه ۸ بجز ایالات متحده دارد و تولید ناخالص داخلی آن بر پایه برآوردهای سال ۲۰۰۰، به ۵/۷ تریلیون دلار می‌رسیده که از مجموع تولید ناخالص داخلی روسیه، ایتالیا، کانادا و فرانسه بیشتر بوده است. دولت‌های هند، کره

جنوبی و برزیل نیز تا اندازه‌ای توان رقابت با کشورهای عضو این گروه را دارند.

از این گذشته، اعتراض‌های گسترده مردمی در سیاتل و دیگر نقاط جهان به گروه ۸ و دیگر نهادهای جهانی مانند سازمان جهانی بازرگانی، نه تنها ادعای این گروه مبنی بر «دموکراتیک بودن» را نفی می‌کند بلکه بر اولویت‌ها و سیاست‌های سران و وزیران گروه ۸ اثر می‌گذارد. اینان ناگزیرند عناصر بین‌المللی بیرون از چارچوب خود را نیز در نظر بگیرند؛ از همین روست که می‌بینیم آفریقای فقیر و چین کمونیست، مواضع سازمان‌های غیردولتی و حتی گروه‌های مردمی معترض در دستور کار این گروه قرار می‌گیرد که باعث بروز تضاد و تناقض میان اهداف و اعمال این گروه شده است و می‌شود. رقابت میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر سر مواد خوراکی تغییر یافته از لحاظ ژنتیکی و حقوق ماهی‌گیری که پس از پایان جنگ سرد شتاب بیشتری گرفته است نشان می‌دهد، که بی «دشمن مشترک» بیرونی، ۷ یا ۸ کشور که با اعلام پایبندی به سازمان ملل و منشور آن مدعی برابری ملل متحد هستند، نمی‌توانند زمام رهبری جهان دموکراتیک را به دست بگیرند.

نتیجه

در باره یافته‌های این بررسی، به گونه فشرده می‌توان گفت:

گرچه نشست‌های سران در سطحی کوچک و محدود و به گونه شخصی برگزار می‌شود، اما گفتگوها ساده و بی‌پایه نیست. این نشست‌ها به نشست‌های باشگاهی شبیه است که اعضای آن بطور منظم گرد می‌آیند و برای حل و فصل اختلاف‌های خود با یکدیگر مشورت و تبادل نظر می‌کنند، دوستی خود را استوارتر می‌کنند، یکدیگر را بیشتر و بهتر می‌شناسند و از نقاط مشترک خود برای اعمال نفوذ بر جهان بیرون از باشگاه بهره‌برداری می‌کنند. بیانیه‌هایی که این گروه در پایان نشست‌های خود در زمینه‌های گوناگون صادر کرده است به خوبی نشانگر همبستگی اعضای گروه در انجام تعهداتشان است.

● رقابت میان ایالات

متحده و اتحادیه اروپا بر سر مواد خوراکی تغییر یافته از لحاظ ژنتیکی و حقوق ماهی‌گیری که پس از پایان جنگ سرد شتاب بیشتری گرفته است نشان می‌دهد که بی «دشمن مشترک» بیرونی، ۷ یا ۸ کشور که با اعلام پایبندی به سازمان ملل و منشور آن مدعی برابری ملل متحد هستند، نمی‌توانند زمام رهبری جهان دموکراتیک را به دست بگیرند.

و به نظر می‌رسد که اگر بخواهد می‌تواند به آنها بپردازد؛ شاید هم به امید فرار سیدن زمان مناسب است. گروه ۸ برای این کار از جامعیت و دستور کار نرمش‌پذیر و شناور برخوردار است. برنامه‌های گروه برای حل و فصل مسائل کوزوو، بالکان و عراق در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اعضای گروه توانایی چشمگیر، پایبندی به اهداف و ابزارهای سیاسی مشترک برای پرداختن به این امور را دارند. همین موقعیت کانونی و محوری گروه است که موجب توجه هزاران خبرنگار یا صدها هزار معترض به نشست‌های آن می‌شود و شمار زیادی از کشورها با اصرار یا با قهر و تهدید در پی جلب موافقت اعضای کنونی با عضویت خود در این باشگاه پر قدرت هستند.

در گذر زمان مشکلات جدید و پیچیده‌تری فراروی گروه ۸ پدید آمده است و به نظر می‌رسد که گروه در رویارویی با برخی از آنها ناکارآمد بوده است. گروه ۷۷ در برگیرنده ۱۳۳ کشور در حال توسعه به رهبری چین، هند و برزیل که بر کاهش محدودیت‌های تجاری و یارانه‌ها بویژه در زمینه کشاورزی اصرار می‌ورزند رشد و توسعه‌ای چشمگیر دارند، و همین که برخی مسائل نگران‌کننده مانند تروریسم، آزمایش‌های هسته‌ای و گسترش جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی سالها در دستور کار نشست سران باقی مانده است، خود نشان از ناتوانی و ناکارایی گروه ۸ در حل آنها دارد. حال چگونه این گروه می‌تواند به آرزوی خود برای اداره کردن جهان دست یابد، باید دید کدام عنصر بین‌المللی، بهترین بهره‌را از فرصت‌های پیش رو خواهد گرفت.

یادداشت‌ها

1. Wood, Bernard (1988), "Critical Choices", pp. 134-137 in John Holmes and John Kirton, (eds.), Canada and the New Internationalism (Canadian Institute of International Affairs: Toronto).
2. Baker, Andrew (2000), "The G7 as a Global 'Ginger Group': Plurilateralism and Four - Dimensional Diplomacy", Global Governance: A Review of Multilateralism and International

هر چند گروه ۸ یک نهاد غیر رسمی است و دیگر کشورها الزامی به پذیرش دیدگاه‌های اعضای آن ندارند، اما از آنجا که این گروه در برگیرنده مهم‌ترین و پر قدرت‌ترین دولت‌های صنعتی است می‌تواند نیروی مؤثری در وادار کردن کشورهای دیگر به پذیرش خواسته‌های اعضا، تنظیم جهانی‌سازی و در نتیجه حکومت جهانی به شمار آید و حرکتی موازی با دولت‌های حاکم و سازمان‌های بین‌المللی موجود به راه اندازد. معمولاً تفاهمها و تصمیمات اعضای گروه ۸ در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی بزرگی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان بازرگانی جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد و حتی بر سازمان ملل متحد و ناتو نیز اثر گذار است.

موضوعات مورد علاقه و بحث سران گروه ۸ در گذر زمان تغییر یافته است، اما آنان همواره سیاست و اکنشی نسبت به رویدادها نداشته‌اند بلکه در بسیاری موارد تلاش کرده‌اند موضوعها و مسائل را بر پایه آرمان‌ها و اعتقادات خود تغییر دهند و سامان‌دهی کنند. این موضوعها در درجه نخست مسائل داخلی و مسائل مشترک میان اعضای گروه بوده، اما در بسیاری موارد مسایل و موضوعهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی، بهداشتی و... که اهمیت جهانی داشته نیز در اولویت کاری آنها قرار گرفته است. البته این بخش اخیر زمانی که با اجبار و تهدید همراه گردد، با وظیفه سازمان ملل متحد که بر اساس بند ۷ از ماده ۲ منشور حق دخالت در اموری که ذاتاً در صلاحیت داخلی کشورهای عضو است ندارد، ناسازگار است.

نشست‌های سران گروه ۸ به گونه فزاینده با مسائل «فراملی» یا «امور جهانی» سروکار پیدا کرده که در زمینه‌های اقتصادی (انرژی، محیط زیست، روابط شرق-غرب و شمال-جنوب) و نیز زمینه‌های سیاسی-امنیتی (گسترش دموکراسی، حکومت مطلوب، حاکمیت قانون و مبارزه با تروریسم) رو به گسترش بوده است؛ اما هنوز مسائل و مشکلاتی هست که این گروه در عرصه‌های داخلی و جهانی بدان توجه نکرده است

● مسئله امنیت جهانی

در میان تازه‌ترین موضوعات، مورد توجه سران گروه ۸ است که بی‌درنگ پس از حملات ۱۱ سپتامبر به ایالات متحده مطرح شده است. گرچه گروه ۸ پیش از این نیز رفتار ناپسند و خشونت‌بار طالبان با مردم افغانستان و نابود ساختن مجسمه‌های بزرگ سنگی بودا را بعنوان توهین به ارزش‌های متنوع فرهنگی و بردباری مذهبی مورد احترام این گروه محکوم کرده بود، اما رویدادهای ۱۱ سپتامبر موجب شد که گروه در روز پس از حملات برای بررسی موضوع و پیش‌بینی پاسخ جمعی و فوری در رویارویی با تروریسم بسیج شود.

● چین به تنهایی
اقتصادی بزرگتر از همه
کشورهای عضو گروه ۸
بخز ایالات متحده دارد و
تولید ناخالص داخلی آن بر
پایه برآوردهای سال
۲۰۰۰، به ۵/۷ تریلیون
دلار می‌رسیده که از
مجموع تولید ناخالص
داخلی روسیه، ایتالیا،
کانادا و فرانسه بیشتر بوده
است. دولت‌های هند،
کره جنوبی و برزیل نیز تا
اندازه‌ای توان رقابت با
کشورهای عضو این گروه را
دارند.

- G7 Summit: The Importance Of American Leadership”, delivered at a conference on “Explaining Summit Success: Prospects for the Denver Summit of the Eight”, sponsored by the University of Colorado at Denver and Metropolitan State College of Denver in cooperation with the University of Toronto G8 Research Group”, Denver, Colorado, 19 June <<http://www.g8.utoronto.ca/annual/bayne1997/document.html>
9. Lamy, Pascal (1988), The Economic Summit and the European Community. Bissell Paper No. 5. Toronto: University of Toronto, Centre for International Studies, <www.g7.utoronto.ca/g7/scholar/lamy1988/index.html
10. Bayne (1997), op.cit.,
11. Ibid.,
12. Ibid.,
13. Kirton, G8online, op.cit.,
14. Bayne, Nicholas (1992), “The Course of Summitry”, The World Today 48, No. 2 February: 27-30
<<http://www.g8.utoronto.ca/scholar/bayne1992/>
15. Bayne (1997), op.cit.,
16. <http://www.library.utoronto.ca/g7/summit>
17. <http://www.g8.fr/evian/english/navigation/the-g8/questions-about-the-g8.html>
- Organizations, 6 (2): 165-189.
3. Gill, Stephen (1999), “Structural Changes in Multilateralism: The G7 Nexus and the Global Crisis”, in Michael Schechter, de., Innovation in Multilateralism (St. Martin’s press: New York); Helleiner, Gerald (2002), “Keynote Address to the National Forum on Canadian Foreign Policy”, Presented at the National Forum on Africa, Montreal, February 9 <www.g7.utoronto.ca/g7/scholar/helleiner/020209HelleinerAddress.pdf
4. Hodges Michael, Kirton John and Daniels Joseph (1999), eds., The G8’s Role in the Millennium (Ashgate: Aldershot); Bayne, Nicholas (2000), Hanging in There: The G7/G8 Summit in Maturity and Renewal (Ashgate: Aldershot)
5. James Reston, **The New Yorker**, Cited in Nicholas Bayne and Robert D. Putnam, 1995
6. Kirton, John (1989), “Contemporary Concert Diplomacy: The Seven - Power Summit and the Management of International Order”. Paper prepared for the annual meeting of the International Studies Association and the British International Studies Association, London, March 29-April 1 <www.g7.utoronto.ca/g7/scholar/kirton198901/index.html
7. Kirton, G8online cited in <http://www.g7.utoronto.ca/g7/>
8. Bayne, Nicholas (1997), “History Of The